

شرایط و موانع تأثیرگذاری زیارت

غلامرضا رضایی*

چکیده

زیارت قبور اولیای الهی، به‌ویژه مراقد مطهر پیامبر اکرم ص و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، از جمله وظائف مورد تأکید شارع مقدس است. این عمل مستحب، پاداش، آثار و برکات فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی فراوان و شگرفی دارد.

اثربخشی زیارت و بهره‌مندی از پاداش و آثار زیارت، به‌سان سایر عبادات، بر رعایت شرایط و رفع موانعی خاص متوقف است.

تحصیل معرفت و طهارت، قصد قربت، هزینة حلال، توجه به حضور مزور، آمادگی روحی و عاطفی، رعایت تقوای الهی و رعایت آداب زیارت، از جمله شرایط لازم برای تأثیرگذاری زیارت است؛ چنان‌که پرخوری و شکم‌چرانی، کسالت و بی‌حوصلگی، غرور و خودپسندی، آمیختگی زیارت با خرافات، مبالغه کردن در اوصاف پیامبران و اولیای الهی به گونه‌ای که به اعتقاد الوهیت آنان منجر شود، از جمله موانع اثربخشی زیارت است.

این مقاله پس از تبیین چیستی زیارت و اشاره به نمونه‌ای از آثار و پاداش‌های آن، به بررسی و تحلیل شرایط و موانع مزبور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اهل بیت علیهم‌السلام، زیارت، مراقد، موانع، شرایط، اثربخشی

*. دانش‌آموخته سطح ۴ مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم و سرپرست معاونت پژوهش پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

از جمله دستورهای عبادی خدای متعال که از طریق رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین: به ما رسیده، زیارت مزار اولیای الهی، به‌ویژه مراقد مطهر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. این عبادت مستحب، حاوی پاداش، آثار و برکات فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخیری فراوان و شگرفی است و به دلیل جایگاه مهمی که در فرهنگ شیعه دارد، از نمادهای شیعیان شناخته می‌شود.

بر اساس برخی آیات قرآن، زیارت قبور در زمان پیامبر ﷺ میان مسلمانان مرسوم بوده است. در آیه ۸۴ سوره توبه به ماجرای منع نمازگزاردن پیامبر ﷺ بر جنازه منافقان و دعا کردن برای آنان و ایستادن در کنار قبرهایشان اشاره شده است:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَمَا تَأْتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾

بر مرده هیچ یک از آنان نماز مخوان و بر کنار قبرش، نایست؛ زیرا آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند، از دنیا رفتند.

منابع تاریخی نیز نشان می‌دهد که مسلمانان همواره به زیارت قبور بزرگان دینی می‌رفته‌اند. مرقد پیامبر اکرم ﷺ از همان زمان تاکنون زیارتگاه مسلمانان بوده است.

از آنجا که درک پاداش، آثار و برکات هر عبادتی بر رعایت شرایط و رفع موانع آن متوقف است، قطعاً درک پاداش، آثار و برکاتی که برای زیارت مراقد مطهر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وعده داده شده نیز به رعایت شرایط و رفع موانع آنها بستگی دارد. در این نوشتار، پس از بیان معنای زیارت و برشمردن برخی آثار و برکات آن، پاره‌ای از شرایط و موانع زیارت، بررسی و تحلیل شده است.

معنای زیارت

واژه «زیارت» از «زور» گرفته شده است. در کتاب معجم مقاییس اللغة آمده است:

الرَّاءُ وَالْوَاوُ وَالرَّاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ بَدَلٌ عَلَى الْمَيْلِ وَالْعُدُولِ وَمِنَ الْبَابِ: الزَّائِرُ، لِأَنَّهُ إِذَا زَارَكَ فَقَدْ عَدَلَ عَنْ غَيْرِكَ (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۳۶).

این واژه که از حروف «ز»، «و» و «ر» تشکیل شده، بر تمایل و عدول دلالت دارد و واژه زائر نیز از همین مقوله است؛ چراکه وقتی به زیارت دیگری می‌روی، به سوی او تمایل یافته‌ای و از دیگران عدول کرده‌ای.

زائری که به آستان‌بوسی و زیارت رسول خدا ﷺ با امام معصوم علیه السلام شرفیاب می‌شود، در واقع به حضرتش میل کرده و خود را با تمام وجود در محضر آن حضرت دیده و از ماسوای آن بزرگوار عدول و اعراض کرده است.

در دعایی از امام باقر علیه السلام آمده است: «اللهم اجعلني من زوّارك» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۳۷۷)؛ «خدایا، مرا از زائران خود قرار بده»؛ اما با توجه به اینکه خدای تعالی جسم نیست تا مکانی خاص و جهتی معین داشته باشد، عبارت مزبور به این معناست: «خدایا، مرا آن چنان قرار بده که فقط به تو تمایل و توجه داشته باشم». وقتی انسان به خدا تمایل یافت، در واقع از ماسوای حضرت باری تعالی اعراض و عدول کرده است.

از این رو در تعریف اصطلاحی زیارت گفته شده: «الزيارة عبارة عن حضور الزائر لدى المזור» (سبحانی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱)؛ «حقیقت زیارت، حضور یافتن زائر نزد زیارت شونده است»؛ یعنی در واقع زیارت کننده، خودش را در محضر مزور احساس کند؛ به بیان دیگر زیارت، تمایلی است که در آن، افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کند و با اکرام و تعظیم قلبی مزور و انس روحی با او همراه باشد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۲۰).

آثار و فواید زیارت

زیارت دارای اقسامی است که هر یک فواید منحصر به فردی دارد؛ مثلاً زیارت خانه خدا فلسفه و آثار ویژه‌ای دارد که در کتاب‌های مربوط به آن مفصلاً بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ابواب حج، ج ۱۱-۱۳).

زیارت مؤمنان و قبور آنان هم رابطه‌ای دو سویه است که هم برای زائر و هم برای شخص زیارت شونده دارای برکات و فوایدی است. علاوه بر ثواب فراوان دیدار مؤمن، در روایات مختلف تأکید شده که صاحب قبر متوجه حضور زائرانش می‌شود و از حضور آنان خوشنود می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۵۶). از فواید دیگر زیارت قبور مؤمنان می‌توان به یاد مرگ افتادن، عبرت گرفتن و آماده شدن برای اصلاح گذشته اشاره کرد (همان جا).

افزون بر این در روایات فراوان برای زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پاداش‌ها، آثار و برکات فراوان و بی‌نظیری بیان شده است که در اینجا تنها به ذکر عناوین آنها بسنده می‌کنیم:

۱. استجاب دعا؛ ۲. استغفار اهل بیت علیهم السلام برای زائران؛ ۳. آرامش؛ ۴. آمرزش گناهان؛ ۵. برابری با حج؛ ۶. برآورده شدن حاجات؛ ۷. دفع پریشانی؛ ۸. برکت در روزی و طول عمر؛ ۹. تجلی خدا؛ ۱۰. ثبت شدن نام زائر در اعلیٰ علین؛ ۱۱. ثواب مجاهدان و شهیدان؛ ۱۲. حفاظت از زائر در دنیا و آخرت؛ ۱۳. خیرخواهی خداوند؛ ۱۴. در امان خدا بودن؛ ۱۵. مشمول دعای معصومین شدن؛ ۱۶. رهایی از شداید قیامت؛ ۱۷. رهایی از آتش جهنم؛ ۱۸. زائر خدا محسوب شدن؛ ۱۹. سعادت؛ ۲۰. شادی دل اهل بیت علیهم السلام؛ ۲۱. شفاعت؛ ۲۲. عنایت و توجه اهل بیت علیهم السلام؛ ۲۳. غرق شدن در رحمت الهی؛ ۲۴. قرار گرفتن در جوار اهل بیت علیهم السلام در بهشت؛ ۲۵. محسوب نشدن ایام زیارت از عمر زائر؛ ۲۶. یافتن موقعیت خاص در قیامت؛ ۲۷. نجات و فریادرسی؛ ۲۸. نشاط و شادابی؛ ۲۹. وعده بهشت؛ ۳۰. استغفار فرشتگان برای زائر

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۰-۶۰۷؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۶۸-۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۳۹ و ج ۹۹، ص ۲۶۸).

زیارت اهل بیت علیهم السلام، افزون بر پاداش های یاد شده، کارکردهای مختلفی نیز در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد.

کارکردهای تربیتی، اجتماعی و سیاسی زیارت

۱. افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از خلال زیارتنامه‌ها؛
۲. آشنایی با مقام امامان و تحکیم رابطه ولایی انسان با اولیای خدا؛
۳. ارائه الگویی مناسب به جامعه؛
۴. زمینه‌سازی فضای مذهبی حرم‌های امامان و مزارها برای ترک گناهان و کسب فضائل؛
۵. زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی و هویت شیعی و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار علیهم السلام در میان امت؛
۶. حفظ امید شیعیان در اوضاع سخت و طاقت‌فرسا؛
۷. زنده نگه داشتن روحیه دلاوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن؛
۸. ترویج روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم‌ترین آرمان شیعه (این کارکرد را از خلال مضمون زیارتنامه‌ها به روشنی می‌توان دریافت)؛
۹. احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم‌هایی که بر ائمه شیعه علیهم السلام و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است؛
۱۰. توجه به جامعه و حکومت آرمانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور خود، آن را تشکیل خواهد داد (ویکی شیعه، زیارت)؛

۱۱. تحکیم توحید و خداشناسی و به موازات آن، شناخت جایگاه نبوت و امامت و ولایت، و فزونی اعتقاد به معاد و شفاعت؛
۱۲. افزایش احساس اصالت فرهنگی، خودباوری مکتبی، هویت‌یابی و الگوپذیری از شخصیت‌های پاک تاریخی؛
۱۳. تحول روحی، توفیق توبه و رهایی از سقوط در گرداب گناه و بدبختی و زشتی؛
۱۴. تجدید عهد با محور توحید و امامت پیشوایان دین و نیز استوار ماندن در کشش‌های مختلف زندگی؛
۱۵. بر طرف شدن غم‌ها و تخلیه شدن عقده‌های روحی؛
۱۶. نمادی از قدرت و عظمت و نیز عامل وحدت دینی و ملی و برطرف کننده اختلاف‌ها و کدورت‌ها؛
۱۷. زمینه‌سازی پاک‌ی و کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی؛
۱۸. فراهم آمدن زمینه‌ای مناسب برای توسعه اقتصادی، به‌ویژه تولید کالاهای فرهنگی؛
۱۹. عاملی برای انفاق‌ها و رفع فقر و محرومیت‌ها؛
۲۰. تبدیل شدن زیارتگاه‌ها به مراکز فرهنگی و حوزه‌های علمیه؛ چنان‌که در کنار مزار رسول خدا ﷺ این کار انجام شد و در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هزاران دانشجو از سراسر بلاد اسلامی گرد می‌آمدند و علوم اسلامی را فرا می‌گرفتند. بیدارگری‌های فاطمه زهرا علیها السلام نیز از کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد (ایرانی، فرهنگ زیارت، فروردین ۱۳۸۸، ص ۱-۵).

شرایط تأثیرگذاری زیارت

برای اینکه زائر به درک این پاداش‌ها و آثار و کارکردها، که در پرتو زیارت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حاصل می‌شود برسد، ضرورت دارد که قبل از زیارت و در حین و

پس از آن، شرایط اولیه‌ای را در خود ایجاد کند و همچنین عواملی را که مانع تأثیرگذاری زیارت‌اند، از خود دور سازد. در اینجا در حد امکان، نخست به بررسی و تحلیل شرایط تأثیرگذاری، و سپس به بیان موانع آن می‌پردازیم.

۱. رعایت آداب زیارت

مقصود از آداب زیارت در اینجا، همان شرایط ظاهری عمل است. آداب تشریف به حرم مطهر معصومین علیهم‌السلام و زیارت قبور مطهر آنان، عبارت‌اند از:

۱. غسل زیارت؛ ۲. با وضو بودن؛ ۳. پوشیدن لباس‌های تمیز و ترجیحاً سفید؛ ۴. عطر زدن؛ ۵. با آرامش و وقار حرکت کردن و گام‌ها را کوتاه برداشتن؛ ۶. مشغول بودن به ذکر، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله» در حال رفتن به زیارت؛ ۷. صدقه دادن؛ ۸. خواندن اذن دخول و اجازه گرفتن برای ورود به حرم؛ ۹. بوسیدن آستانه و درگاه حرم؛ ۱۰. وارد شدن به حرم با پای راست؛ ۱۲. نزدیک قبر رفتن، به طوری که بتوان خود را به ضریح چسباند؛ ۱۳. ایستادن در حال زیارت؛ ۱۴. تکبیر گفتن وقتی قبر مطهر را می‌بیند؛ ۱۵. خواندن زیارتنامه‌هایی که از معصومین علیهم‌السلام رسیده است؛ ۱۶. آهسته زیارت خواندن؛ ۱۷. خواندن دو رکعت نماز زیارت، پس از زیارت و هدیه کردن آن به صاحب مزار؛ ۱۸. در زیارت معصومین علیهم‌السلام مستحب است پشت به قبله و رو به قبر زیارت بخواند؛ ۱۹. خواندن دعا و قرآن و هدیه کردن ثواب آن به صاحب مزار؛ ۲۰. توبه از گناهان؛ ۲۱. پرهیز از سخنان ناشایست و لغو و بیهوده و امور

۱. گفتنی است رعایت این ادب و استحباب آن در جایی است که ازدحام جمعیت نباشد و عمل به آن مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد و سبب اختلاط با نامحرم نگردد، یا حال معنوی زائر را به هم نزند. چه بسا یک کار مستحب، در شرایطی به امر غیر مطلوب تبدیل می‌گردد؛ مثل بوسیدن حجرالاسود که در شرایط خلوت و عادی، بسیار پسندیده است؛ ولی در ازدحام جمعیت بوسیدن یا لمس آن به قیمت له کردن و اذیت و آزار دیگران، روا نیست. در صورت ازدحام در حرم‌ها، بهتر است انسان کناری بایستد و با فاصله و حالت آرامش خود و راحتی دیگران، زیارتنامه را بخواند و این تصور را که «اگر دستم به ضریح نرسد، زیارتم قبول نیست»، از ذهن خود بیرون کند.

دنیایی در آن اماکن مقدس؛ ۲۲. بیرون رفتن از حرم (به ویژه اطراف ضریح) پس از زیارت، تا جا برای دیگران باشد و از زیارت ملول نشود و شوق زیارت همچنان در دلش زنده بماند؛ ۲۳. زیارت وداع و خداحافظی؛ ۲۴. تعظیم خدمتکاران و نگاهبانان آن مقام (ر.ک: جزیری و دیگران، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۹۷؛ فلاح‌زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷-۳۸؛ محدثی، ۱۳۸۶ش، ص ۷۲-۸۶).

آداب زیارت، درآمدی برای درک بایسته و شایسته خود زیارت است؛ پیش‌آهنگ عجز و نیاز زائر است؛ بار عام و نیز ورودگاه خلوتیان خاص و خاص‌الخاص است؛ ایجاد سنخیت و انتقال از ظاهر خودی به ظاهر خدایی است. آن که از گذار آداب زیارت، شایسته نگذرد، از فیض رب، محروم می‌ماند و در گلستان دِهش، باد به دست می‌میرد (نشر مشعر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸۱).

اگر کسی به شیفته ملاقات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بگوید: «آماده شوید می‌خواهم شما را خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ببرم»، او چه حالی پیدا می‌کند؟ اگر آن حالت هنگام زیارت در ما ایجاد شود، اگر در قدم‌ها، نگاه‌ها، کلمات و ... خودمان در هنگام ورود به بقعه مبارک معصومان علیهم السلام، دقت کنیم، اگر این احساس در ما ایجاد شود که زیارت شونده، صدای ما را، سلام ما را، وداع ما را می‌شنود و پاسخ می‌دهد،^۱ قطعاً حال دیگری در زیارت خواهیم داشت و برکات و آثار وافر درک خواهیم کرد.

۲. تحصیل معرفت

کسی که به چشمه آبی می‌رود، به اندازه ظرفی که همراه دارد، از آن چشمه بهره می‌گیرد و زائری که به زیارت امام علیه السلام می‌آید، به اندازه شناخت و معرفتی که دارد، از زیارت خویش سود می‌برد. پس پیش از هر چیز باید سطح شناخت و آگاهی خود را درباره امام علیه السلام بالا ببریم و قبل از ورود به میهمانی، صاحب‌خانه، خصوصیات اخلاقی و رفتاری او، و نیز انتظارات و خواسته‌های وی را بشناسیم.

۱. «يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷۶).

معرفت در زیارت، مانند خاک خوب برای رشد گیاه است؛ یعنی هر چند همه عناصر لازم برای رشد، در دانه نهفته باشد، تا در خاک حاصلخیز قرار نگیرد، شکوفا نمی‌شود. وقتی در دلمان از شناخت امام علیه السلام اثری نباشد و در زیارت فقط به ظاهر آن بسنده کنیم، چندان تأثیری در دل و جانمان ایجاد نمی‌کند؛ حتی اگر ساعت‌ها به خواندن زیارتنامه‌ها و اعمال مستحبی بگذرانیم.

لزوم معرفت امام معصوم علیه السلام و آگاهی از منزلت او در بسیاری از روایات، سفارش و تأکید شده است؛ مثلاً از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود:

... فمن زاره مسلماً لأمره عارفاً بحقه كان عند الله جل وعز كشهداء بدر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۴۱).

هر کس او (امام رضا علیه السلام) را زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر^۱ برخوردار است.

در حدیث دیگر درباره زیارت سیدالشهدا علیه السلام آمده است:

مَنْ أَمَى الْحُسَيْنَ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳۸).

هر کس، نزد مزار سیدالشهدا علیه السلام، با معرفت به حق آن حضرت، حاضر شود، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را ببامزد.

در خصوص زیارت حضرت معصومه علیه السلام نیز آمده است کسی که او را زیارت کند در حالی که به او معرفت داشته باشد، بهشت بر او واجب می‌شود. امام رضا علیه السلام فرمود: «یا سعد عندکم لنا قبر قلت جعلت فداک قبر فاطمة بنت موسی علیه السلام؟ قال: نعم من زارها عارفاً بحقها فله الجنة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۶۶).

۱. جنگ بدر، نخستین جنگ رسمی مسلمانان با مشرکان بود. در این جنگ، مشرکان در کمال قدرت، و مسلمانان در قلت عده و عده قرار داشتند و پیروزی یا شکست در آن، تأثیری شگرف در سرنوشت اسلام و مسلمانان داشت و شرکت صادقانه در آن، از صداقت در ایمان حکایت می‌کرد. از این رو، عنوان «بدریون» عنوانی پرافتخار برای شرکت کنندگان در آن جنگ بود و در برخی موارد، معیار سنجش اعمال، مقایسه آن با شرکت در جنگ بدر بود.

بنابراین ضرورت دارد قبل از رفتن به اماکن مقدس و زیارت بزرگان، کسب معرفت کنیم تا در هنگام زیارت، همچون غریبه‌ای که سرزده به دیدار کسی می‌رود و چندان تحویلش نمی‌گیرند، به زیارت نرویم. بلکه با مطالعه در زندگینامه و آثار آن بزرگان و انس با زیارتنامه‌ها و شرکت در مجالس دینی و هر چیز دیگری که می‌تواند معرفت ما را افزایش دهد، آمادگی لازم را کسب کنیم و عازم زیارت شویم.

البته بدیهی است که منظور از معرفت امام، معرفت آن بزرگواران در حد ظرفیت اندک و محدود ما انسان‌های غیر معصوم است؛ وگرنه شناخت کامل و جامع امام معصوم علیه السلام برای هیچ‌کس، جز معصوم علیه السلام، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر منظور از شناخت امام علیه السلام، تنها شناخت ابتدایی یا شناسنامه‌ای نیست. اینکه نام امام چیست؟ فرزند کیست؟ در چه سالی به دنیا آمده؟ در چه سالی و چگونه به شهادت رسیده...؟ را هر مطالعه‌کننده‌ای می‌تواند بداند و هر محقق و مورخی، بیش از دیگران، اطلاعات به دست می‌آورد؛ هر چند کافر باشد. بلکه کمترین مرتبه معرفت برای تأثیرگذار بودن زیارت، این است که:

اولاً بدانیم او واسطه فیض است؛ در همه زوایای زندگی ما حضور دارد؛ گره‌گشای مشکلات انسان و خلیفه الهی است و بهترین زیارتنامه‌ای که این شناخت را در حد اعلی به ما می‌دهد، زیارت جامعه کبیره است؛

ثانیاً الگو قرار دادن امام در تمامی حرکات و سکنات زندگی. نه جلوتر از آنها حرکت کنیم تا گمراه شویم و نه از آنها عقب بمانیم تا طعمه گرگ‌های هوا و هوس شویم. بلکه قدم‌به‌قدم پشت سر آنها حرکت کنیم:

فالراغب عنکم مارق و اللّٰزم لکم لاحق و المقصر فی حقکم زاهق (شیخ صدوق،

۱۴۱۳ق، ۲، ص ۶۱۲).

روی گردان از [راه و روش] شما، از دین خارج شده است و همراه با شما، [به شما] پیوسته است و مسامحه‌کننده در حق شما، نابود است.

آیت‌الله جوادی آملی درباره راز تأکید بر زیارت با معرفت فرموده است:

سر اینکه توصیه کرده‌اند زیارت زائر با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت مزور است، نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت؛ همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، شمارش ستون‌ها، چراغ‌ها، شمعدان‌ها، درها، پنجره‌ها و... این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت. ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است؛ یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زائر گردد، نه بر سیاحت و زیارت جسمی و صوری (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۴۳).

نکته مهمی که باید در اینجا تذکر داده شود اینکه شایسته است قبل از معرفت امام، نخست خود را بشناسیم؛ قوت‌ها و ضعف‌های خودمان را بدانیم؛ نیازمندی‌های خود را با تمام وجود درک کنیم؛ نیازهایی که فقط به آب و نان و شفای جسم و خواسته‌های دنیوی خلاصه نمی‌شود. اینجا جایی است که باید افق‌های روبه‌روی خود را ببینیم و چشم‌انداز ملکوتی رشد و کمال خود را تصور کنیم (آداب زیارت، rasekhoon.net).

۳. قصد تقرب

زیارت، نوعی عبادت، و موجب تقرب به خداست. از این رو زائر باید نیت خود را خالص کند؛ چون روح عبادت، نیت است و عبادت بدون نیت، جسد بی‌روح است. علامه حلی رحمته‌الله در کتاب شریف تذکره الفقهاء در مقدمه بحث مزار می‌فرماید: «در همه زیارات، نیت (قربة الی الله) شرط است؛ زیرا زیارت، عبادت است» (حلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۴۹).

زائر باید پیش از سفر، به حقیقت نیت خود توجه داشته باشد. هر عبادتی که با نیت صادقانه و برای خدا انجام گیرد، عبادت واقعی به شمار می‌آید و شایسته قبولی درگاه حق، و مستوجب

پاداشی عظیم است. عبادت، اگر خالصانه و به قصد فرمان بردن از حق صورت گیرد، به تکلیف عمل شده، و اگر غیر از این باشد، زحمتی بی‌مزد است و مقبول حق نخواهد بود و در نهایت، در پرونده عمل به عنوان ادای تکلیف ثبت نمی‌شود و به فرموده قرآن بر باد می‌رود:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ (فرقان: ۲۳).

و ما هر عملی را که به عنوان عمل خیر انجام داده‌اند، حسابرسی می‌کنیم. پس همه آنها را [که به نیت غیرخالصانه و به ریا و خودنمایی انجام گرفته]، غباری پراکنده می‌سازیم.

درباره حج مردم آخرالزمان از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمَلُوكِ نَزْهَةً وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۰).

بر مردم، زمانی فرا خواهد رسید که در آن زمان، حج پادشاهان تفریح و خوشگذرانی، حج ثروتمندان تجارت، و حج نیازمندان گدایی و درخواست کمک است.

درباره نقش اخلاص در قبولی و تأثیرگذاری عبادات، در روایات آمده است که خداوند

متعال می‌فرماید:

أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ فَمَنْ عَمِلَ لِي وَلِغَيْرِي فَهُوَ لِي عَمَلُهُ غَيْرِي (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۵۲).

من بهترین شریکم. هر کس در عملی، دیگری را با من شریک کند، من همه عمل را به شریک خود واگذار می‌کنم [بنابراین، پاداش عمل را نیز از او طلب کند].

بنابراین اگر زائر انتظار دارد به آثار و برکات و پاداش‌های زیارت به‌طور کامل دست یابد، نباید هدف او از زیارت، اموری از قبیل سیاحت، تجارت، استراحت، تماشای مملکت دیگر، تفاخر و مانند آن باشد؛ بلکه باید نیت خود را برای خدا خالص کند و آن را به هوای نفس آلوده نگرداند و در این زمینه الگوی خود را اهل بیت علیهم‌السلام قرار دهد که در عبادت، جز «وجه الله» نظری نداشتند:

﴿إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ (انسان: ۹).

[گویند: ما فقط برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.]

۴. هزینه حلال

کسی که قصد زیارت دارد، باید هزینه آن را از مال حلال و پاک بپردازد؛ یعنی مالی که از طریق کسب مشروع و زحمت و کوشش صحیح به دست آمده باشد و حتی ذره‌ای مال غصبی، رشوه، دزدی، ربا، کم‌فروشی، حق‌ارث دیگران، اختلاس، و مال به دست آمده از راه فتنه‌گری و فساد در آن نباشد و خمس و زکات و حقوق واجب و شرعی آن را پرداخته باشد؛ زیرا اگر در سفر زیارت، ذره‌ای مال حرام در میان اموال زائر باشد، یقیناً مانع از قبولی است (انصاریان، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹).

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

إذا اكتسب الرجل مالا من غير حله ثم حج فليبي نودي لا لبيك ولا سعديك وإن كان

من حله فليبي نودي لبيك وسعديك (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۴).

اگر انسان مال حرامی به دست آورد و با آن به زیارت خانه خدا رود و لبيک بگوید، [در جوابش] ندا آید: «لا لبيك و لا سعديك»، و اگر از راه حلال به دست آورده باشد، ندا آید: «لبيك و سعديك».

امام صادق علیه السلام این مطلب را در مورد زیارت خانه خدا فرموده است؛ ولی تأثیر مال نامشروع را در بی‌ارزش کردن عمل، نشان می‌دهد و در این جهت بین زیارت بیت الله الحرام و زیارت مراقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، زیارت، به طور مطلق، عبادت است و تحقق عبادت مشروط به قصد تقرب به خدای متعال است و حصول تقرب بر تحصیل تقوا در همه ابعاد متوقف است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «إنا أهل بیت، حج ضرورتنا و مهوور نساتنا و أكفاننا من طهور أموالنا»؛ «ما اهل بیت علیهم السلام، سه چیز را از پاکترین اموال خود می پردازیم: هزینه سفر حج، مهریه زنان و پول کفن» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۹).

افزون بر احادیث خاص، درباره تأثیر منفی مال حرام در مطلق عبادات از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «خدا را ملکی است بر بیت المقدس که هر شب فریاد می کند: هر کس حرام بخورد، مستحب و واجبی از او پذیرفته نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۶).

آن حضرت صلی الله علیه و آله همچنین فرموده است: «عبادت کردن همراه با خوردن مال حرام، مانند ساختن بنایی بر روی شن است»: «العبادة مع أكل الحرام كالبناء على الرمل» (همان، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۲۵۸).

۵. تحصیل طهارت

در آداب و رسوم آسمانی، برای تماس با هر لایه از یک حقیقت متعالی، طهارتی متناسب، شرط است؛ برای تماس با ظاهر، طهارت ظاهری، و برای تماس با باطن، طهارت باطنی. رسماً به همه اعلام شده است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۹)؛^۱ یعنی ساختار و بافتار حقایق ماورایی به گونه‌ای است که جز با طهارت نمی توان بدان دست رساند، و هر که بام طهارتش بیش، نزول فرشتگان سپیدپوش و نزولات نورانی بر آن بیشتر.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۳۰).

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند و می گویند: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید». (مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت، ۱۳۸۷ش، ص ۸۸).

۱. جز پاک شدگان بر آن دست زنند.

غسل، طهارت جسمی است؛ ولی صفای روحی و معنوی هم دارد؛ چون همراه با نیت، ذکر خدا و دعاست و تنها شستن بدن نیست؛ مثل وضو که صرف شستن صورت و دست‌ها نیست. بنابراین نورانیت و آثار معنوی و روحی آن در سایه توجه به خدا و قصد قربت و عبادت فراهم می‌شود.

طهارت جسمی و روحی شرط ارتباط با پاک‌دلان و پاک‌جانان، و حضور در اماکن مقدس است. رعایت این ادب در حال حیات امامان هم مورد تأکید بوده است. چند نفر در مدینه قصد تشرّف به حضور امام صادق علیه السلام داشتند. در راه یکی از اصحاب از کوچه‌ای بیرون آمد و به این جمع پیوست، در حالی که جنب بود و اینان نمی‌دانستند. وقتی خدمت امام رسیدند و سلام دادند، حضرت خطاب به آن شخص فرمود: «آیا نمی‌دانی سزاوار نیست شخص جنب به خانه انبیا وارد شود؟» او برگشت و بقیه به خدمت امام شرفیاب شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۲۶).^۱

۶. توجه به حضور مزور

چنان‌که در تعریف زیارت اشاره شد، حقیقت زیارت، حضور زائر نزد مزور است. شرط اثرگذاری زیارت نیز همین باور و احساس حضور است.

درباره لزوم حضور قلب در نماز، به عنوان برجسته‌ترین مصداق عبادت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ مَا يَقْبَلُ نَفْسَهَا وَ ثُلُثَهَا وَ رُبْعَهَا وَ خُمْسَهَا إِلَى الْعَشْرِ وَإِنَّ مِنْهَا مَا يَلْفُ
كَمَا يَلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيَضْرِبُ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا وَإِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ
بِقَلْبِكَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۲۶۰).

۱. خرجنا من المدينة نريد منزل أبي عبد الله عليه السلام فلحقنا أبو بصير خارجا من زقاق من أزقة المدينة و هو جنب و نحن لا علم لنا حتى دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فسلمنا عليه فرجع رأسه إلى أبي بصير فقال له يا أبا بصير أ ما تعلم أنه لا ينبغي للجنب أن يدخل بيوت الأنبياء فرجع أبو بصير و دخلنا.

بعضی از نمازها هست که نصف و یک‌سوم و یک‌چهارم و یک‌پنجم تا یک‌دهم آنها پذیرفته می‌شود و بعضی از نمازها هست که مانند کهنه‌ای مُچاله می‌شود و به صورت صاحبش پُرت می‌گردد. تنها آن قسمت از نمازت بهره‌توست که با دل خود بدان رو کنی.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهَا يَحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۳۵۸).

در نماز به خدا توجه داشته باش؛ زیرا آن مقدار از نماز قبول می‌شود که تو به آن توجه داری.

با توجه به اینکه زیارت نیز مانند نماز، یکی از مصادیق عبادت خدای متعال به‌شمار می‌رود، قبول و تأثیرگذاری آن، قطعاً بر داشتن حضور قلب در آن متوقف است.

امام خمینی رحمته الله علیه در کلامی شیوا، اثر شگرف حضور قلب را در مطلق عبادات، چنین بیان کرده است:

یکی از فواید مهمه عبادات، که عقل و نقل بر آن اتفاق دارند و در واقع یکی از اسرار عبادات همین است، اینکه از هر عبادتی در قلب انسان اثری پدید می‌آید که در روایات به «نکته بیضاء» (نقطه سفید و نورانی) تعبیر شده است. ... اما نکته اصلی و مهم این است که تأثیر عبادت و ذکر زبانی بر قلب و جان انسان، زمانی حاصل می‌شود که در وقت عبادت و دعا و ذکر، قلب انسان حاضر باشد؛ یعنی زبان و قلب، هماهنگ باشند؛ و گرنه با غفلت و نسیان قلب، به هیچ وجه اعمال خیر در روح انسان تأثیر نمی‌گذارد و شاید به همین جهت است که در روایت آمده، وقتی دل با زبان هماهنگ نباشد، عبادت مورد توجه و قبول خدا واقع نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۲۸).

ایشان در ادامه می‌افزاید:

این افعال عبادیه و مناسک الهیه، علاوه بر آنکه خود دارای صور غیبیه بهیه ملکوتیه هستند، که تشکیل بهشت جسمانی دهند، در روح نیز ملکات و حالاتی حاصل کنند که مبدأ بهشت متوسط و جنات اسمایی گردند؛ ... و این فایده حاصل نشود در عبادات و این نتیجه گرفته نشود، مگر آنکه وقت عبادت و دعا و ذکر، قلب حاضر باشد که با غفلت و نسیان قلب، به هیچ وجه اعمال خیریه را در روح تأثیری نیست و از این جهت، می‌بینیم که از عبادات پنجاه سال یا بیشتر، در قلب ما به هیچ وجه اثری پیدا نشده؛ بلکه به ملکات فاسده ما هر روز افزوده شده است (همان، ۱۳۸۸ش، ص ۲۹-۳۰).

مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)، درباره معنای حضور قلب در زیارت و لزوم تحصیل آن فرموده است:

قبولی زیارت، معنایش این است که آن فیضی که از ملاقات این ولی خدا به ملاقات کننده می‌رسد، آن فیض به شما برسد. این، معنای قبولی زیارت است. اگر بخواهید این فیض به شما برسد، شرط اول این است که با حضرت «ملاقات» کنید؛ یعنی رفتن حرم و آمدن، صرف رفتن به یک مکان و بیرون آمدن نباشد. آنجا یک موجودی و یک روح والایی حضور دارد. به این حضور توجه بکنید؛ ولو حالا شما آن شخص زیارت شده را، یعنی آن کسی که می‌خواهید با او ملاقات کنید، به چشم نمی‌بینید؛ لیکن «به چشم دیدن» که لازمه ملاقات نیست؛ او هست و سخن شما را می‌شنود؛ حضور شما را می‌بیند؛ شخص شما را می‌بیند. با او حرف بزنید. زیارت یعنی همین ملاقات (بیانات معظم له در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت، farsi.khamenei.ir).

بیغمبر اکرم ﷺ به علی ع فرمود:

یا علیّ، من زارنی فی حیاتی او بعد موتی او زارك فی حیاتك او بعد موتك او زار ابنیک فی حیاتها او بعد موتها ضمنّت له یوم القیامة أن أخلّصه من أهوالها و شدائدها حتّی أصیره معی فی درجتی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۹).

ای علی، هر کس مرا در زمان حیات یا مرگم زیارت کند یا تو و فرزندان را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از احوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آنکه او را هم درجه خودم گردانم.

آیت‌الله جوادی آملی در مقام نتیجه‌گیری از این روایت فرموده است:

این روایت و امثال آن نشان می‌دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد. از این جهت، لازم است که زائر به گونه‌ای در حرم شریف آنان حضور پیدا کند که اگر زنده می‌بودند در کنارشان حضور پیدا می‌کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۲۶).

۷. ایجاد آمادگی روحی و عاطفی

برخی اعمال، زمینه روحی زائر را برای زیارت و اثرپذیری از آن آماده می‌سازد؛ از جمله کمک به نیازمندان و یاری رساندن به دیگر زائران. یکی از راه‌های ایجاد آمادگی روحی و معنوی برای کسانی که به صورت گروهی و کاروانی به زیارت می‌روند، یاری رساندن به همراهان و فراهم آوردن زمینه آسایش و زیارت برای آنان است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره تأثیر خدمت‌رسانی به مسافران و همراهان بر ایجاد زمینه روحی و عاطفی در انسان، فرموده است:

من أعان مؤمنا مسافرا نفس الله عنه ثلاثا و سبعین كربة و أجاره في الدنيا من الهم و الغم و نفس عنه كربة العظیم قیل یا رسول الله و ما كربة العظیم قال حیث یغشی بأنفاسهم (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۶۲).

هر کس مسافری مؤمن را یاری رساند، خداوند ۷۳ گرفتاری را از او برمی‌دارد و در دنیا وی را از غم و اندوه محفوظ خواهد داشت و غصه بزرگ را از او برطرف می‌کند. سؤال شد غصه بزرگ چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: زمانی است که نفس قطع می‌شود (یعنی زمان مرگ و جان‌کندن).

از این رو بزرگان دین در کمک‌رسانی به همسفران خود بسیار جدیت داشته‌اند. امام صادق ۷ درباره سیره امام سجاده ۱۱ در سفر حج فرموده است:

حضرت سجاده ۱۱، هرگاه مسافرت می‌رفت، سعی می‌کرد با کاروانی سفر کند که او را نشناسند و شرط می‌کرد که در طول سفر، یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت. بعد به دیگر دوستانش گفت: «آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند، کیست؟» گفتند: «نه، نمی‌شناسیم». آن مرد گفت: «این شخص حضرت علی بن الحسین ۱۱ است». اهل کاروان که این جمله را شنیدند و امام را شناختند، ناگهان از جای خود برخاستند و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند: «ای فرزند رسول خدا، آیا می‌خواهی آتش جهنم ما را فراگیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطایی سر می‌زد و به شما جسارتی می‌کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی‌شدیم؟! چه انگیزه‌ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟» امام سجاده ۱۱ فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا ۱۱ بیش از استحقاقم به من خدمت کرده، عطوفت و مهربانی نثارم کردند. به همین دلیل، به صورت ناشناس آمدم که مبادا شما نیز بیش از حد، مرا احترام کنید و ناشناس بودن را بهتر می‌پسندم» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۳۰).

در حالات امام خمینی ۱۱ نیز نوشته‌اند که وقتی در دوره جوانی همراه دوستان خود به زیارت حضرت رضا ۱۱ مشرف شده بودند، وقتی همه با هم به زیارت می‌رفتند، امام زودتر از دیگران به محل سکونت باز می‌گشت، اتاق را تمیز می‌کرد و امکانات پذیرایی را فراهم می‌آورد تا وقتی همراهان از راه می‌رسند، با نوشیدن چای و استراحت، خستگی از تن آنان بیرون رود. خدمت به زائران و دوستان ائمه ۱۱ به معنای خدمت به خود آن حضرات، و راه خوبی برای جلب توجه و عنایت خاص ایشان است (آداب زیارت امام رضا ۱۱، tebyan.net).

۸. رعایت تقوای الهی

هر عملی که حسن فعلی داشته باشد، یعنی نفس کار خوب و پسندیده و مورد تأیید دین الهی باشد - چه واجب، مانند نماز و روزه و چه مستحب، مانند زیارت - باید حسن فاعلی نیز داشته باشد؛ یعنی کننده کار نیز انسان درست و باتقوایی باشد تا آن عمل پذیرفته شود و آثار آن، مترتب گردد. اما اگر کسی تقوای الهی را رعایت نکند، هر چند کار پسندیده - ای را انجام دهد، خدای متعال عمل او را نمی پذیرد و مراتب و آثار آن عمل بر او مترتب نمی گردد.

دلیل مطلب مزبور، آیات و روایات فراوان، از جمله آیه شریفه ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده: ۲۵)^۱ است. چنان که ملاحظه می شود، این آیه به صراحت و با تأکید «انما»، که بر حصر نیز دلالت دارد، پذیرش هر عملی را به رعایت تقوای الهی منوط کرده است.

نمونه دیگر، حدیثی گرانسنگ از امیر مؤمنان، علی علیه السلام است که فرمود:

صِفَاتِنِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَعْمَالُ إِلَّا بِهَا التَّقَى وَالْإِخْلَاصُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۳).

دو خصلت است که خداوند سبحان، اعمال نیک را مگر با آن دو خصلت نمی پذیرد:

تقوا (پرهیز از گناه) و اخلاص (فقط برای خدا کار کردن).

بنابراین زیارت نیز مانند سایر عبادات، برای پذیرفته شدن و اثربخش بودن، علاوه بر حسن فعلی که دارد، باید به حسن فاعلی نیز مقرون، و به تقوای الهی مزین گردد تا تلاشی بی ثمر قلمداد نشود؛ چنان که درباره نماز و روزه افراد ریاکار و ناپرهیزگار آمده است:

رَبِّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَرَبِّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ (پاینده، ۱۳۸۲ش، ص ۴۹۹).

بسا روزه دار که از روزه خود، جز گرسنگی، ثمری نبرد و بسا نماز شب گزار که از نماز خود، جز بیداری، سودی نگیرد.

۱. «خدای تعالی قربانی را فقط از مردم باتقوا قبول می کند».

موانع تأثیرگذاری زیارت

پس از بررسی و تحلیل شرایط اثربخشی زیارت، به موانع آن نیز اشاره می‌شود. ولی نکته درخور توجه در این باره اینکه رعایت نکردن شرایط زیارت، خود مهم‌ترین مانع اثربخشی زیارت است؛ زیرا اگر معرفت و طهارت لازم برای زیارت تحصیل نشود، زیارت با قصد قربت همراه نباشد، هزینه آن از راه حلال تأمین نگردد، در انجام آن تقوای الهی رعایت نشود و ... هر کدام از این موارد، بزرگ‌ترین مانع برای اثربخشی زیارت خواهند بود. افزون بر این، موانع دیگری نیز وجود دارد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

۱. پرخوری

آیین اسلام همه مسلمانان را به‌طور عام از پرخوری نهی، و به اعتدال در خوردن غذا توصیه کرده است؛^۱ ولی نهی از شکم‌چرانی و لذت‌جویی برای زائران مراقد مطهر ائمه معصوم علیهم‌السلام، به‌ویژه زائران مرقد مطهر سیدالشهداء علیه‌السلام، با تأکید شدیدتری بیان شده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

بَلَّغْنِي أَنْ قَوْمًا إِذَا زَارُوا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ حَمَلُوا مَعَهُمُ السُّفْرَ فِيهَا الْحَلَاوَةُ وَالْأَخْبِصَةُ
وَ أَشْبَاهُهَا لَوْ زَارُوا قُبُورَ أَحِبَّائِهِمْ مَا حَمَلُوا ذَلِكَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳۰؛ شیخ
صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۱).

به من خبر رسیده است گروهی چون حسین علیه‌السلام را زیارت می‌کنند، سفره‌هایی همراه خود می‌برند، که انواع شیرینی و حلوا و امثال آنها در آن حمل شده است، در صورتی که اگر قبور محبانشان را زیارت می‌کردند، چنین غذاهایی با خود نمی‌بردند.^۲

۱. ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف: ۳۱)؛ «[از نعمت‌های الهی] بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند سرفران را دوست نمی‌دارد».

۲. گفتنی است مسئله کراهت با خود برداشتن انواع شیرینی، تنقلات و ... آن گونه که از روایات استفاده می‌شود، ظاهراً مختص زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام است؛ وگرنه در مورد سفر حج و عمره و دیگر سفرهای زیارتی، سفارش شده که زائران بهترین زاد و توشه را با خود بردارند (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۲۳). نکته دیگر اینکه بحث اینجا درباره ناپسندی پرخوری، شکم‌چرانی و مانند آن است که قطعاً کراهت آن عمومی است.

امام صادق علیه السلام همچنین به یکی از اصحابشان، که با عده‌ای به زیارت سیدالشهدا علیه السلام رفتند، فرمودند:
 تَأْتُونَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام؟ قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: تَتَّخِذُونَ لِذَلِكَ سَفْرَةً؟ قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ.
 قَالَ: أَمَا لَوْ أَتَيْتُمْ قُبُورَ آبَائِكُمْ وَأُمَّهَاتِكُمْ لَمْ تَفْعَلُوا ذَلِكَ. قَالَ قُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ نَأْكُلُ؟ قَالَ
 الْحُبْزَ بِاللَّيْنِ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۱).

آیا به زیارت قبر ابا عبدالله علیه السلام می‌روید؟ گفت: «بله». حضرت فرمود: «برای این سفر، سفره برمی‌دارید؟» عرض کرد: «بله». حضرت فرمودند: «یقیناً اگر به زیارت قبور پدران و مادرانتان می‌رفتید، چنین نمی‌کردید». عرض کرد: «پس چه چیزی بخوریم؟» فرمودند: «شیر و نان».

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند: «زیارت بروید بهتر از این است که به زیارت نروید، و زیارت نروید بهتر از این است که به زیارت بروید». راوی می‌گوید: عرض کردم: «کمر من را با این کلام، شکستید». حضرت فرمودند:

به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می‌رود، غمگین و اندوهناک می‌رود؛ ولی به زیارت قبر مطهر آن حضرت می‌روید، در حالی که با خود سفره‌ها می‌برید؟! نه، این طور نباید به زیارت آن جناب بروید؛ بلکه زیارتش کنید با حالی ژولیده و غبارآلود.^۱

از جمله علل نهی شدن انسان از پرخوری و شکم‌چرانی، آثار و پیامدهای زیانبار مترتب بر آن است؛ به‌ویژه از بین رفتن نورانیت، معنویت و صفای درون؛ چنان‌که در روایات فراوان به این علت تصریح شده است؛ از جمله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:
 مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَطْنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ» (ورام، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۴۶).

۱. تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُوا وَ لَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُوا. قَالَ قُلْتُ: قَطَعْتَ ظَهْرِي. قَالَ: تَاهَهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَنِيئًا حَرِيْبًا وَ تَأْتُوْنَهُ أَنْتُمْ بِالسَّفْرِ. كَلَّا حَتَّى تَأْتُوْنَهُ شُعْنًا عُبْرًا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳۰).

آن که غذا کم خورد، معده‌اش سالم می‌ماند و صفای دل می‌یابد و هر که پرخور باشد، معده‌اش بیمار، و قلبش سخت می‌شود.

الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوهِ الْبَطْنِ، الْقَلْبُ يَمُجُّ الْحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ الْبَطْنِ (همان، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۱۱۹).

دل، هنگام خالی بودن معده، حکمت را می‌گیرد و هنگام پُر بودن معده، آن را به دور می‌افکند.

نُورُ الْحِكْمَةِ الْجُوعُ، وَ التَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشَّبَعُ... لَا تَشْبَعُوا فَيَطْفَأَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۳۳۱).

نور حکمت در گرسنگی است و دور شدن از خدا در سیری. سیر نباشید که نور معرفت در دل‌هایتان خاموش می‌شود.

از امیر مؤمنان، علی علیه السلام، نیز روایت شده که فرمود: «مَنْ قَلَّ أَكَلُهُ صَفَا فِكْرُهُ» (مستغفری، ۱۳۸۵ق، ص ۲۱)؛ «هر کس خوراکش اندک باشد، اندیشه‌اش صفا می‌یابد».

۲. کسالت و بی‌حوصلگی

از جمله موضوعاتی که هشدار در مورد آن در فرهنگ دینی بسیار به چشم می‌خورد و مسلمانان را از آن پرهیز داده‌اند، موضوع تنبلی، کسالت و بی‌حوصلگی در کارهاست. در روایات از این صفت ناپسند با واژه‌هایی مانند «کسل»، «ضجر» و «توانی»، به معنای تنبلی، بی‌حوصلگی و سستی، نکوهش شده است.

زیارت، یکی از عبادات است که کسالت و تنبلی در انجام دادنش، مانع اثربخشی آن است. بسیار مشاهده شده که برخی زائران، با اینکه از شهر خود با شور و شوق فراوان حرکت می‌کنند و مشکلات مختلف سفر را به جان و دل می‌پذیرند، به محض اینکه به حرم مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله یا حرم مطهر یکی از ائمه معصومین علیهم السلام یا سایر اولیای الهی مشرف می‌شوند،

با عجله فقط ضریح مطهر را می‌بوسند و از حرم خارج می‌شوند؛ بدون اینکه زیارتنامه یا دو رکعت نماز زیارت بخوانند، سوره‌ای از قرآن تلاوت کنند یا به دعا و راز و نیاز با خدای متعال بپردازند. علت این امر چیزی نیست جز کسالت و کم‌حوصلگی آنان؛ درحالی‌که سزاوار است زائری که پس از سال‌ها آرزو و انتظار، نزد گرمی‌ترین و کریم‌ترین انسان‌های عالم هستی حضور یافته، از آن فضای روحانی و جذبات معنوی، بهتر استفاده کند و از انوار ملکوتی آن ذوات مقدس بیشتر بهره‌مند گردد. از این رو در روایات فراوان از این صفت ناپسند شدیداً نهی شده و از مسلمانان خواسته شده که در دفع یا رفع آن، اهتمامی ویژه داشته باشند.

در اینجا به نمونه‌هایی از این گونه احادیث اشاره می‌شود:

- پیامبر خدا ﷺ فرمود:

يا علي! ... إِيَّاكَ وَ حَصَلَتَيْنِ: الضَّجْرَةُ وَ الكَسْلُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ صَحِرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقِّ
وَ إِنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۵).

ای علی، از دو خصلت پرهیز: بی‌حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌حوصله باشی، بر حق شکیبایی نکنی و اگر تنبل باشی، حقی را ادا نکنی.

- امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا از دَوَجَتْ از دَوَجِ الكَسْلِ وَ العَجْزِ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ (کلینی، ۱۴۰۷ق،
ج ۵، ص ۸۶).

آن‌گاه که اشیا با یکدیگر جفت شدند، تنبلی و ناتوانی با هم ازدواج کردند و از آنها فقر متولد شد.

- امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از فرزندان خود فرمود:

إِيَّاكَ وَ الكَسْلَ وَ الضَّجْرَ؛ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَقِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (همان،
۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۸۵).

از تنبلی و بی‌حوصلگی پرهیز؛ زیرا این دو خصلت، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند.

- امام رضا علیه السلام در دعا برای حجة بن الحسن فرمود:

وَلَا تَبْلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۳۳۵).

در کار او ما را به دلتنگی و تبلی و سستی و ضعف مبتلا مفرما و ما را از کسانی قرار ده که به وسیله آنان، دینت را یاری می‌رسانی.

۳. غرور و خودپسندی

یکی دیگر از آفات که مانع تأثیرگذاری زیارت است، دچار شدن به غرور و خودپسندی است.

غرور به معنای هر چیزی است که انسان را می‌فریبد و در غفلت فرو می‌برد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۴). ریشه اصلی این واژه به معنای حصول غفلت به سبب تأثیر چیز دیگری در انسان است و از لوازم و آثار آن، جهل و فریب و نیرنگ و نقصان و شکست و... است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۲۰۷).

غرور، انسان را در انبوهی از خیالات گرفتار می‌سازد و اسباب نجات را از او قطع می‌کند: «مَنْ غَرَّه السَّرَابُ تَقَطَّعَ بِهَ الْاَسْبَابُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶۹)؛ کسی که سراب‌ها او را فریب دهد و مغرور سازد، اسباب [نجات] از او قطع می‌شود».

غرور و خودپسندی، حجابی ضخیم بر عقل و فهم انسان می‌افکنند و او را از درک حقایق بازمی‌دارد و به او اجازه نمی‌دهد خود را آن‌چنان که هست، بشناسد. همان‌طور که در حدیثی از امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌خوانیم: «سُكْرُ الْعَقْلَةِ وَالْغُرُورُ اِبْعَدُ اِفَاقَةَ مِنْ سُكْرِ الْخُمُورِ» (همان، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰۵): «مستی غفلت و غرور از مستی شراب، طولانی‌تر است». این مستی، همان حجاب غرور است

متأسفانه برخی از زائران به زیارت صوری و ظاهری خود مغرور می‌شوند؛ به گونه‌ای که خود را صد در صد اهل نجات دانسته و همه پاداش‌های وعده داده شده درباره زیارت

را در حق خود قطعی می‌شمارند. قطعاً این گونه افراد نه تنها تحت تأثیر زیارت خود قرار نمی‌گیرند؛ بلکه بر عکس، این حالت آنان موجب زیانکاری عظیم و نابودی عملشان نیز خواهد شد.

روایات هشدار دهنده‌ای درباره پیامدهای خطرناک خودپسندی آمده است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

- امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «الْإِعْجَابُ يَمْنَعُ مِنَ الْإِرْدِيَادِ» (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۰۰)؛ «خودپسندی و غرور، مانع پیشرفت و کمال است».

- امام صادق علیه السلام فرمود:

عالمی نزد عابدی رفت و به او گفت: «تماز خواندنت چگونه و در چه حد است؟»
عابد گفت: «مانند منی را از نمازش می‌پرسند؟! در صورتی که من از فلان زمان و فلان وقت عبادت خدا می‌کنم». عالم گفت: «گریه کردنت چگونه است؟» گفت: «چنان می‌گیرم که اشک‌هایم روان می‌شود». عالم گفت: «همانا اگر خنده کنی و ترسان باشی، بهتر است از اینکه گریه کنی و بیالی. هر که به خود ببالد، چیزی از عملش بالا نرود (پذیرفته نشود) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۳).

- امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود:

دو مرد داخل مسجد شوند که یکی عابد و دیگری فاسق باشد، و از مسجد خارج شوند، در حالی که فاسق، صدیق (مؤمن واقعی) شده باشد و عابد، فاسق، و این برای آن است که عابد داخل مسجد شود، در حالتی که به عبادتش ببالد و به آن بنزد و فکرش در باره آن باشد، ولی فکر فاسق درباره ندامت و پشیمانی از فسقش باشد و از خدای عز و جل راجع به گناهی که کرده، آمرزش خواهد (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۴).

غیر از موارد یاد شده، امور دیگری مانع اثربخشی کامل یا نسبی زیارت است که به علت محدودیت مجال تنها به ذکر عنوان آنها بسنده می‌شود:

آمیختگی زیارت با خرافات، بدعت‌گذاری در زیارت، اذیت یا ایجاد مزاحمت برای دیگر زائران، سرگرم شدن بیش از حد به امور فرعی مانند تهیه سوغات، بی‌توجهی به شئون اسلامی مانند حجاب، عادی شدن زیارت، بی‌توجهی به قداست اماکن زیارتی و

نتیجه‌گیری

زیارت به معنای حضور زائر نزد مزور است. مزور اگر از اولیای الهی، به‌ویژه یکی از معصومان علیهم‌السلام باشد، آثار و فواید بی‌شماری را برای زائر در پی دارد. البته رسیدن به این آثار و فواید بر رعایت شرایط و رفع موانع مختلفی متوقف است.

رعایت آداب زیارت، تحصیل معرفت، قصد تقرب، هزینه حلال، تحصیل طهارت، توجه به حضور مزور، ایجاد آمادگی روحی و عاطفی، و رعایت تقوای الهی، از شرایط تأثیرگذاری و پرخوری و شکم‌چرانی، کسالت و بی‌حوصلگی، غرور و خودپسندی، آمیختگی زیارت با خرافات، و مبالغه در اوصاف پیامبران و اولیای الهی، از موانع تأثیرگذاری زیارت است.

منابع و مأخذ

الف) کتب

* قرآن کریم

* نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). گردآور: محمد بن حسین شریف رضی، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول.

۱. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا، دار الفکر.

۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه، چاپ اول.

۳. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). سر الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، چاپ سیزدهم.

۴. انصاریان، حسین (۱۳۸۷). ادب و آداب زائر، تهران، مشعر.

۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۸. جزیری، عبدالرحمن و غروی، محمد و مازح، یاسر (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت ﷺ، بیروت، لبنان، دار الثقلین.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). ادب فناى مقربان، تحقیق: محمد صفایی، قم، مؤسسه اسراء، چاپ هفتم.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسة آل البيت ﷺ، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، چاپ اول.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دمشق، بیروت، دار القلم، الدار الشامیة، الطبعة الاولى.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۸ق). بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه امام صادق ﷺ.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵ش). علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۷۲۶ق). تذکرة الفقهاء، تحقیق: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، چاپ اول.
۱۷. فلاح‌زاده، محمدحسین (۱۳۸۶). احکام فقهی سفر زیارتی عتبات، قم، مشعر.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

۱۹. کفعمسی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق). **البلد الأمين و الدرع الحصین**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۱. مستغفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۵ق). **طَبُّ النَّبِيِّ ﷺ** تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، نجف، مکتبه الحیدریه.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. نشر مشعر (۱۳۸۷). **مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت**، قم، نشر مشعر.
۲۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹ش). **مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام**، ترجمه: محمدرضا عطایی، اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.

(ب) نشریات و پایگاهها

۲۵. پایگاه ویکی شیعه، زیارت: <http://fa.wikishia.net>
۲۶. پایگاه: <http://article.tebyan.net>
۲۷. پایگاه: <http://farsi.khamenei.ir>
۲۸. پایگاه: <http://rasekhoon.net>
۲۹. ایرانی، حسین (۱۳۸۸). «زیارت مزار خدا یاوران»، **فرهنگ زیارت**، شماره ۱، فروردین، ص ۱-۵.
۳۰. محدثی، جواد (۱۳۸۶). «آداب زیارت»، **فرهنگ کوثر**، شماره ۷۱، پاییز، ص ۷۲-۸۶.